



۲۰۲۰/۰۵/۲۹



غوټ جانباز

## اسرار دیپلوماسی

تاریخ روابط دو جانبه افغانستان و ایالات متحده امریکا

(۱۹۵۵-۱۹۱۹)



قسمت چهارم

نویسندگان: - گ. یژوف - پ. کرپینکو

مترجم: غوث جانباز ترجمه و تخلص: غوث جانباز

کشور کوهستان ها (افغانستان) برای امریکایی ها کاملاً مجهول باقی مانده بود. بر بنیاد معلومات دست داشته پس از سفر و اقامت (جوسیا هارلان) طی سال های ۱۸۲۷-۱۸۳۹ از حضور بعدی امریکایی ها در افغانستان در سال ۱۹۱۰ یاد آوری شده است. زن سالخورده ای به نام (میسیس اولیین) در یک کاروان با دو تبعه انگلستان (که از این زن در دفتر خاطرات خویش یاد آور شده اند) از کابل به سوب پیشاور مسافرت می کرد. اینکه (میسیس اولیین) چگونه داخل قلمرو افغانستان شده بود معلوم نیست. (۳۱)

امریکایی بعدی در افغانستان، در سال ۱۹۱۱ حضور یافت. شخص مذکور برای دو سال کار به افغانستان آمده بود ولی هفت سال آنجا باقی ماند. او انجنیر قرار دادی بود به نام (ا. جیوویت) که برای یکی از کمپنی های انگلیسی به خاطر اعمار نخستین ستنیشن برق در ناحیه جبل السراج که دارای دو توربین و ۷۷۰ کیلو وات برق می داد خدمت می کرد. ستنیشن برق جبل السراج در سال ۱۹۲۱ به بهره برداری سپرده شد و طی چندین سال یگانه ستنیشن تولید برق در کشور بود. مدت ها بعد برادرزاده (ا. جیوویت) برگزیده هایی از دفتر خاطرات اقامت نامبرده را در افغانستان در مطبوعات امریکا به نشر رساند. (ا. جیوویت) به زبان های افغانی تکلم می کرد، با همکاران افغانی خود روابط نهایت دوستانه داشت و علاقمند فرهنگ افغانی بود. در عین حال در یادداشت های (ا. جیوویت) عمدتاً از دشواری های فزیک در افغانستان، از موانع بیوروکراتیک و تشویش های معنوی و شکست امید ها یادآوری

می شد. (۳۲) زوج امریکایی به نام (پاولاد) در کتاب خویش می نویسد که انتشار خاطرات (ا. جیوویت) تصویر منفی را در اذهان امریکایی ها در مورد افغانستان تداعی می کند. (۳۳)

در اخیر قرن نوزده و شروع سده بیستم، الی ۱۹۱۹ حضور خارجی ها در افغانستان از نادرتهای به شمار می رفت. علت آن تعصب افغان ها در برابر خارجی ها نبود. انگلیس ها سرحدات افغانستان را زیر کنترل خویش داشته و از سفر خارجی ها به این کشور جلوگیری می کردند. برای ورود تبعه خارجی به افغانستان باید امیر افغانستان فرمان مخصوصی صادر میکرد که در آن دولت افغانستان مسؤولیت های معینی را از قبیل: همراهی مسلحانه خارجی، رفع هرگونه ضروریات، منجمله محل اقامت خارجی را بدوش می گرفت. چون بدست آوردن همچون یک فرمانی، آنهم در خارج از کشور بسیار دشوار بود، انگلیس ها آنرا بهانه (بهانه ای که خود ایجاد کرده بودند) قرار داده، دست به شایعه پراگنی علیه افغانستان می زدند و به خارجی ها تلقین می نمودند که افغانستان کشور بیست دور از تمدن. (۳۴) بنیاد این اقدامات انگلیس ها را معاهده "گندمک" تشکیل میداد که در اثر آن روابط افغانستان با جهان خارج باید از طریق انگلیس ها تأمین میگردد.

در شروع جنگ اول جهانی (و قبل از آن) در ایالات متحده امریکا چیزی در باره افغانستان نمی دانستند. معلومات اندکی که در مورد افغانستان در مطبوعات امریکا درز میکرد دوستانه نبوده و تصویر نادرست را در ذهن خواننده در مورد افغان ها خلق می کرد.

نشریه با اعتبار و معتبر امریکایی "نشنل جیوگرافیک" اولین مقاله اش را در مورد افغانستان در سال ۱۹۰۹ به نشر رساند. نویسنده مقاله (ایلسوررت هانتینگتون) حتی سری هم به افغانستان نزده بود. او از جانب روسیه به سرحدات افغانستان نزدیک شده و چند مرتبه با افسران روسی داخل منطقه ای گردیده بود که مورد مناقشه افغانستان و روسیه قرار داشت.

در منطقه مذکور افغان ها زندگی می کردند. مقاله (ایلسوررت هانتینگتون) شدیداً محتوای ضد افغانی داشت. (۳۵) مبلغین مسیحی امریکایی نیز گاه گاهی به افغانستان سفرهای داشتند و معمولاً مأموریت های شان را تحت پوشش کمک های طبی و بشر دوستانه پیش می بردند. یکی از این سفرها در سال ۱۹۲۳ ثبت گردیده است.

افغانستان برای ایالات متحده امریکا حتی پس از کسب کامل استقلال، مجهول و وحشتناک باقی مانده بود. مجله "نشنل جیوگرافیک" مقاله دوم خود را در سال ۱۹۲۱ در مورد افغانستان به نشر رساند. اینبار، یکی از مؤلفین مقاله شخصاً به افغانستان سفر نموده بود. در مقاله ضمناً گزارش داده میشود: "افغانستان کشور بیست که در آن مردم تندخو، دشمن جهان، نیمه بربر و بیرحم به سر میبرند." (۱)

اولین نوشته های دوستانه پیرامون افغانستان در مجله "آسیا" (که دیگر نشرات ندارد) در سال ۱۹۲۹ نمایان شدند. در سال ۱۹۳۳ یکی از اشتراک کنندگان مسابقه موتردوانی "سیتروئین" به نام "هارد مینارد اوئین ویلیمز" در مجله "نشنل جیوگرافیک مگزین" خاطرات خود را به تحریر درآورده از رسوم و عنعنات افغانها، مهمان نوازی و کوشش های اصلاح طلبانه شاه امان الله یادآور شده بود.

پس از کسب کامل استقلال افغانستان، امریکا در سطح رسمی، به جنرال قنسولی خویش در کلکته و سفارت امریکا مقیم تهران وظیفه داده بود تا وقایع افغانستان را زیر نظر و بررسی خویش داشته باشند. گزارشات منابع مذکور بعضاً با اطلاعات جنرال قنسولی امریکا در کراچی تباخی می شدند. مسائل مربوط به افغانستان معمولاً به یکی از کارمندان جوان که مصروف سائر مسائل می بود سپرده می شد. گزارشات این کارمندان منظم نبوده، بیشتر ماهیت مناسبتی داشته و از صحت کامل برخوردار نمی بودند.

اما در وزارت امور خارجه امریکا در رابطه به مسائل مربوط به افغانستان یک شخص استثنایی وجود داشت. این استثنی دیپلمات جوان هالندی تبار بود و "کارنیلیوس وان اینگیرت" نام داشت. اینگیرت عاشق حوزه شرق نزدیک بود. "اینگیرت" در سال ۱۹۲۰ در سفارت امریکا مقیم تهران به کار گماشته شد. او دلچسپی عظیمی نسبت به افغانستان ناپیدا و اصلاحاتی که در آن جریان داشت از خود نشان داد. این دیپلمات جوان روابط نهایت حسنه را با همقطاران افغان خود در تهران تأمین نموده بود. در سال ۱۹۲۲ نظر به لزوم دید و اشنگتن، "وان اینگیرت" به سفارت امریکا در کشور چین تبدیل شد. او از وزارت خارجه کشورش اجازه خواست تا از طریق افغانستان به محل کار جدیدش برود. در جواب به "اینگیرت" گفته شد که بنابر فقدان بودجه کافی او میتواند به مصرف خود به افغانستان سفر غیر رسمی انجام دهد. دوستان افغانی "اینگیرت" در تهران به او کمک کردند تا ویزه افغانستان را بدست بیاورد. دلچسپ است که به "اینگیرت" ویزه شماره ۶ در سفارت افغانستان در تهران صادر گردیده است. اما معلوم نشد که حاملین ۵ ویزه قبلی (همچنان اتباع امریکایی) کدام اشخاص بوده اند...؟

برای رسیدن به کابل "وان اینگیرت" مجبور شد مسیری دشواری را ببیماید. او از طریق خلیج فارس ذریعه کشتی به کراچی آمد (هند برتانوی) از آنجا با ریل الی پیشاور و سپس در موتر به سوب پایتخت افغانستان، کابل حرکت کرد. در کابل از "وان اینگیرت" در سطح عالی استقبال کردند. او را در مهمانخانه خاص دربار که برای مهمانان عالی رتبه در نظر گرفته شده بود بدون پرداخت هرگونه مصارف جا دادند. اینگیرت هنگام اقامت خود در افغانستان که از ماه می الی جولای تداوم پیدا کرد به چند ولایت افغانستان سفر کرد. او پس از ترک افغانستان تصورات و مشاهدات خود را طی یک گزارش مفصل به وزارت امور خارجه کشورش سپرد. در گزارش از اوضاع و احوال افغانستان تحلیل مثبت صورت گرفته و مملو از حسن نیت بود. بطور مثال در گزارش اکیداً گفته می شد که رجال برجسته دولتی افغانستان نه تنها بربر نیستند، بلکه برخلاف، نهایت با فرهنگ می باشند. "اینگیرت" به ایالات متحده امریکا مصرانه توصیه میکرد تا افغانستان را به رسمیت بشناسد. اما وزارت امور خارجه امریکا فوراً بالای گزارش اینگیرت مهر محرمت گذاشت و آنرا از انظار دور ساخت. بدینتریب اذهان عامه و حتی رجال سیاسی امریکا از آشنایی با گزارش اینگیرت بی خبر ماندند. مدت ها بعد مأمورین وزارت امور خارجه و دانشمندان امریکایی اعتراف میکردند که در مسأله افغانستان در آن ایام و اشنگتن منافع برتانیه را در هندوستان نسبت به افغانستان ترجیح میداد. اما این دلیل معتقدانه به نظر نمی رسد، چون حرف از هند برتانوی اصلاً مطرح نبود. افغانستان در زمان مورد بحث از جانب برخی از کشورهای اروپایی به رسمیت شناخته شده بود و کشورهای مذکور از این بابت با کدام مشکلی در روابط با انگلستان روبرو نبودند.

شکی نیست که در صورت دسترسی اذهان عامه آمریکا به گزارش "وان اینگریت" تصور مردم و متعاقباً سیاستمداران آمریکا در مورد افغانستان تغییر می‌کرد، و آمریکایی‌ها در برابر افغان‌ها حسن نظر و حسن نیت بیشتر پیدا می‌نمودند. اما در عمل، قضایا برعکس پیش رفتند. بلافاصله پس از عزیمت "وان اینگریت" از افغانستان، یکی از ژورنالیستان معروف آمریکایی "لوویل توماس" همراه با عکاس "دیوید چنیس" و یکی از تاجرین به نام "دیوید ووستیر" به افغانستان سفر کردند. "لوویل توماس" بنا بر خواهش "وان اینگریت" از دوستان افغانی اش ویژه دخیلی افغانستان را بدست آورد. "وان اینگریت" بعدها از این کمک خود شدیداً اظهار ندامت می‌کرد. از "توماس" و همراهانش در کابل استقبال گرم در سطح رسمی بعمل آمد. "توماس" پس از برگشت از افغانستان در مقاله‌ها و کتابش به بدگویی از افغان‌ها پرداخت: او افغان‌ها را رهن و چاقو کش نامیده و تأکید می‌کرد که آنها صرف زبان تلوار و تفنگ را بلد هستند. (۳)

نوشته‌های "لوویل توماس" تأثیر منفی بالای موضعگیری ایالات متحده آمریکا در مورد افغانستان بجا گذاشت. در این میان، موضعگیری حکومت افغانستان کاملاً متفاوت بود. کابل با شدت تمام کوشش میکرد که از طرف کشورهای مقتدر و پیشرفته غرب به رسمیت شناخته شود، و در این قطار به تأمین روابط اقتصادی و سیاسی با آمریکا اهمیت زیاد میداد. افغان‌ها نیز معلومات زیاد در مورد آمریکا نداشتند. لیکن رهبری افغانستان از دکترین "ودرو ویلسون" که در آن ضمناً از اصل خود ارادیت ملل وابسته یاد آوری شده بود آگاهی داشتند. شاه امان الله کوشش میکرد اصل مذکور را حین مذاکرات با انگلیس‌ها به رخ آنها بکشد. طوری که قبلاً تذکر یافت مذاکرات میان افغان‌ها و برتانوی‌ها پیرامون انعقاد معاهده دو جانبه به سختی پیش می‌رفت. انگلستان تلاش میکرد تا موانعی را در برابر افغانستان به خاطر کسب کامل استقلال ایجاد نماید و در این راه حتی از خطاب "اعلیحضرت" به پادشاه افغانستان اجتناب میورزید. مذاکراتی که بین افغانستان و برتانوی‌ها جریان داشت، از جانب برتانیه، آنرا نه نماینده رسمی لندن، بلکه منشی بخش مسائل بین‌المللی اداره استعماری، "هنری دابز" پیش می‌برد. و این خود نیرنگی بود به خاطر به رسمیت نشناختن قطعی استقلال افغانستان. شاه امان الله در چنین اوضاعی و به منظور رفع بن بست مستقیماً به پادشاه انگلستان "جورج" نامه ای نوشت و در آن "جورج" را به رسم احترام "برادر" خطاب کرد. اما در مقابل هیچگونه جوابی از پادشاه انگلستان دریافت ننمود. هنگام مذاکرات با انگلیس‌ها هیأت افغانی یادآور می‌شد که "ودرو ویلسون" رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا از اصل خود ارادیت ملت‌ها حمایت می‌کند. نماینده هند برتانوی "دابز" در جواب این ملاحظه افغان‌ها خاطر نشان می‌ساخت که گویا اصل مذکور صرف ملت‌های مغلوب کشورهای اروپایی را در جنگ اول جهانی احتوا می‌کند. (۴) به هر حال حکومت افغانستان باور داشت که اداره آمریکا سیاست ضد استعماری را دنبال می‌کند. در آستانه انعقاد معاهده موقت صلح با برتانیه، در ماه می ۱۹۱۹ در راولپنڈی، شاه امان الله هیأت خاصی را برای تأمین روابط دیپلماتیک، تجارتی و غیره به کشورهای اروپایی اعزام داشت. امان الله خان در رأس هیأت مذکور جنرال محمد ولی خان یکی از معتمدین نزدیک خود را گماشت. اولین آدرس سفر این هیأت مسکو بود. سفارت با صلاحیت افغانستان به تاریخ ۲۸ می بسرحد رسیده و بتاریخ ۴ جون وارد تاشکند شد. هیأت افغانی به علت جنگ‌های داخلی و انسداد راه‌ها مجبور گردید چند ماه در ترکستان بماند. هیأت دیپلماتیک افغانستان صرف به تاریخ ۱۰ اکتوبر ۱۹۱۹ م به مسکو، پایتخت روسیه شوروی مواصلت کرد. (۵)

در تابستان ۱۹۲۰ دومین هیأت با صلاحیت دیپلماتیک افغانستان که در رأس آن باز هم محمد ولی خان قرار داشت به مسکو آمد. بتاريخ ۲۸ فبروری ۱۹۲۱ معاهده "دوستی و همکاری" میان افغانستان و روسیه شوروی به امضاء رسید. دو روز بعدتر، در همانجا (مسکو) معاهده دوستی میان افغانستان و جمهوری ترکیه نیز منعقد گردید. در زمان مورد بحث، جمهوری ترکیه در برابر تهاجمات اردوی یونان ایستادگی میکرد و به همین علت مسکو برای امضای معاهده طرفین برگزیده شد.

یونان را متحدین (آنتانتا) حمایت میکردند. پس از امضای معاهدات با وسیه و ترکیه، هیأت عالیرتبه افغان عازم اروپا شد. سفر هیأت افغانی به برخی از کشورهای اروپائی منجر به تأمین روابط دیپلماتیک با آنها گردید. فرانسه از جمله ای نخستین دولت های بود که استقلال افغانستان را به رسمیت شناخت و روابط خود را با اینکشور در عرصه های فرهنگی و معارف تأمین کرد. افغانستان و فرانسه در سال ۱۹۲۲ پروتوکول تأسیس مرکز باستان شناسی فرانسه را در افغانستان به امضاء رسانیدند. پروتوکول مذکور در سال ۱۹۵۲ برای ۳۰ سال آینده تمدید یافت. از سال ۱۹۲۲ محصلین افغان در مؤسسات تحصیلات عالی فرانسه به آموزش شروع نمودند. پادشاه افغانستان، محمد ظاهرشاه نیز تحصیلات خویش را در کشور فرانسه به پایان رسانیده بود. فرانسوی ها در سال ۱۹۲۳ لیسه استقلال را اعمار کردند. در این لیسه مضامین عمدتاً به زبان فرانسوی تدریس میشد. (۶) حتی امروز نیز لیسه مذکور یکی از عصری ترین لیسه ها در افغانستان بشمار میرود.

پاریس طی چند سال یکی از مراکز عمده بود که دیپلماتان افغان از طریق آن کوشش میکردند روابط سیاسی خود را با امریکا تأمین نمایند. محمد ولی خان آغازگر این کوشش ها بود. او حین اقامتش در پاریس در سال ۱۹۲۱ با سفیر امریکا در پاریس ملاقات نموده خبر داده بود که آرزو دارد پیام محمود طرزی ( وزیر امور خارجه افغانستان) را به همتای امریکایی خود برساند. محمد ولی خان هکذا یادآور شده بود که دولتش میخواهد با ایالات متحده امریکا روابط دیپلماتیک برقرار نماید و برای این هدف مصمم است به واشنگتن سفر نماید. سفیر امریکا در پاریس "هیو کیمبل اولیس" قبل از ملاقات با نماینده افغانستان با سفیر انگلستان در پاریس "لارد هاردینگ" که از مسایل مربوط به افغانستان آگاهی کافی داشت تماس حاصل نموده بود تا نظر وی را پیرامون مأموریت محمد ولی خان بدانند. ( "لارد هاردینگ" قبلاً به حیث نایب الحکومه هند برتانوی وظیفه اجرا نموده بود.)

"لارد هاردینگ" به سفیر امریکا معلومات ذیل را ارائه کرده بود: "از آنجائیکه هیأت افغانی از طرف صدراعظم و رئیس جمهور فرانسه پذیرفته شدند، بناءً برتانیه کبیر کدام اعتراضی ندارد تا هیأت افغانی به واشنگتن سفر نماید و در آنجا از طرف مقامات پذیرفته شود." "لارد هاردینگ" در ادامه پیامش عنوانی سفیر "اولیس" خاطر نشان میساخت: "حکومت انگلستان فعالیت ها و کوشش های این هیأت را در رابطه به تأمین روابط با کشورهای دیگر منفی ارزیابی میکند. با آنکه افغانستان به اصطلاح یک دولت مستقل است، ولی در حیطة نفوذ برتانیه کبیر قرار دارد. حکومت ما سعی میکند از گسترش روابط خارجی افغانستان جلوگیری کند." (۷) انصافاً باید تذکر یابد که اقدامات مذکور از طرف لندن قبل از ۲۲ نوامبر ۱۹۲۱، یعنی قبل از انعقاد قطعی معاهده صلح میان افغانستان و برتانیه صورت گرفته بود.

سفیر "کیمبل اوپلس" جواب "هاردینگ" را به واشنگتن فرستاد و این عامل تا حدود زیاد باعث آن گردید تا از هیأت افغانی به رهبری محمد ولی خان در امریکا پذیرایی سرد صورت بگیرد.

یک عامل ناخوشایند دیگر نیز برای افغانستان وجود داشت و آن، تأمین روابط نزدیک و دوستانه با روسیه شوروی و دریافت کمک های اقتصادی و نظامی از آن بود. از آنجائیکه برتانیه کبیر و امریکا روسیه شوروی را به رسمیت نمی شناختند، این معضل نیز در روابط امریکا با افغانستان تأثیر ناگوار داشت.

هیأت افغانی بتاريخ ۱۲ جولای به نیویورک رسید. وزیر امور خارجه امریکا "چارلز ایوانس هنیوز" بتاريخ ۱۸ جولای از مواصلت هیأت افغانی به رئیس جمهور "هاردینگ" کتباً خبر داد. "ایوانس هنیوز" در مکتوب خویش عنوانی رئیس جمهور امریکا عمدتاً از گفته های سفیر امریکا در پاریس نقل قول نموده بود. خود "ایوانس هنیوز" به تاریخ ۲۰ جولای ۱۹۲۱ با هیأت افغانی ملاقات کرد.

رئیس هیأت افغانی، محمد ولی خان دروازی پیام محمود طرزی را به وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا تقدیم کرد. هم در پیام محمود طرزی و هم در گفته های محمد ولی خان دروازی اظهار امیدواری می گردید تا روابط دیپلماتیک، دوستانه و اقتصادی با امریکا تأمین گردد.

"هنیوز" در عکس العمل به تقاضاهای جانب افغانی خاطر نشان ساخت که مسائل مربوط به تأمین روابط دیپلماتیک با کشورهای دیگر از صلاحیت کانگرس امریکا می باشد. "هنیوز" عین متن را به جواب نامه محمود کرزی نیز نوشته بود. (۸)

جواب های جانب امریکا به افغان ها حد اقل صادقانه نبودند.

به منظور اجتناب از بی حرمتی بیش از حد در برابر افغان ها و به خاطر آنکه موضع گیری حکومت امریکا اندکی تحت پوشش قرار گرفته باشد، "هنیوز" تدابیر ملاقات هیأت افغانی را با رئیس جمهور "هاردینگ" روی دست گرفت. به رئیس جمهور "هاردینگ" قبل از دیدار با افغان ها توصیه های معینی داده شد تا مبادا سخنانش به رسمیت شناختن افغانستان تعبیر نشوند.

رئیس جمهور "هاردینگ" با جانب افغانی بسیار محتاطانه صحبت کرد و راهنمایی های مشاورین را در نظر گرفت. او به تاریخ ۲۹ جولای هیأت افغانی را نه به شکل رسمی، بلکه به عنوان "مهمانانی از کابل" پذیرفت. رئیس جمهور نیز به پیچیدگی های قوانین امریکا در زمینه به رسمیت شناختن افغانستان اشاره نمود و از صلاحیت های کانگرس یادآور شد. "هاردینگ" همین استدلال را طی نامه به شاه امان الله نیز نوشت. در عین حال او ضمناً اشاره نموده بود که: "موضوعی به رسمیت شناختن باید به آینده موکول گردد." (۹)

هیأت افغانی ملاحظات دیپلماتیک رئیس جمهور امریکا را خوشباورانه به نفع خود تعبیر نموده و آنرا به رسمیت شناختن افغانستان خواند. آمین روابط مستقیم دیپلماتیک میان دو کشور به زعم افغان ها، معضله مؤقتی و تخنیکی بود که در فرصت مناسب باید از جانب واشنگتن رفع می شد.

اگرچه با این ارزیابی ها تمام اعضای هیأت افغانی موافقت نداشتند، اما محمد ولی خان دروازی از اختتام موفقانه مذاکرات با ایالات متحده آمریکا به شاه امان الله خان خبر داد. (۱۰)

رسانه های امریکایی با نشر تبلیغات ناخوشایند فضا را پیرامون سفر هیأت افغانی آشکارا و با تمام گستاخی نهایت مخشوش و مکدر ساخته بودند. بطور مثال در اخبار با لحن تمسخر آمیز نوشته بودند:

"امیر افغانستان دارای چند معشوقه است؟" یا "خوب رویان امریکایی، افغان ها را چقدر مجذوب ساختند؟" . . . (۱۱) بعدها، پس از سپری شدن چند دهه، مأمورین وزارت امور خارجه آمریکا در صحبت های مبالغه آمیز خویش خاطر نشان می ساختند: ". . . اگرچه واشنگتن روابط دیپلماتیک را با افغانستان تأمین نکرد، اما پذیرش هیأت افغانی از طرف شخص رئیس جمهور و ارسال مکتوب جوابیه به شاه امان الله در حقیقت به رسمیت شناختن غیر مستقیم افغانستان معنی می داد." (۱۲)

در حقیقت اداره آمریکا در مورد افغانستان بی تفاوت بود. اشاره به پیچیدگی قوانین امریکا و در نظر گرفتن منافع برتانیه در منطقه، بهانه هایی بودند برای پوشاندن بی تفاوتی و بی اعتنائی امریکا در قبال افغانستان.

پس از مسافرت نافرجام به امریکا، هیأت افغانی تحت ریاست محمد ولی خان دروازی عازم لندن گردید. در لندن پذیرایی از هیأت افغانی سردتر از واشنگتن بود. در چنین اوضاع و احوالی سفارت افغانستان در پاریس یگانه مرکز کوشش ها برای تأمین روابط دیپلماتیک با امریکا بود. برای نیل به این هدف سائر سفارت خانه های افغانستان نیز فعالیت می کردند. محمد نادر خان (پادشاه آینده افغانستان) سفیر افغانستان در پاریس در سال ۱۹۲۵ سعی کرد تا موضوع تأمین روابط دیپلماتیک با امریکا را نفس تازه ببخشد و در این رابطه گفتگوهایی را با "مائرون گیریک"، سفیر آنکشور در پاریس به راه انداخت.

ادامه دارد...

بخش های اول، دوم و سوم این نوشته مهم و تأریخی را می توانید با کلیک در لینک های آریانا افغانستان آنلاین در پایان مطالعه فرمائید.

[http://www.arianafghanistan.de/UploadCenter/Janbaz\\_G\\_aasraar\\_diplomatie\\_۰۱.pdf](http://www.arianafghanistan.de/UploadCenter/Janbaz_G_aasraar_diplomatie_۰۱.pdf)

[http://www.arianafghanistan.de/UploadCenter/Janbaz\\_Ghaus\\_asraar\\_dyplomatie\\_۲.pdf](http://www.arianafghanistan.de/UploadCenter/Janbaz_Ghaus_asraar_dyplomatie_۲.pdf)

[http://www.arianafghanistan.de/UploadCenter/Janbaz\\_Ghaus\\_asraar\\_dyplomatie\\_۳.pdf](http://www.arianafghanistan.de/UploadCenter/Janbaz_Ghaus_asraar_dyplomatie_۳.pdf)

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

اسرار دیپلوماسی تاریخ روابط افغانستان و امریکا قسمت چهارم

[Janbaz\\_Ghaus\\_asraar\\_dyplomatie\\_۴.pdf](http://www.arianafghanistan.de/UploadCenter/Janbaz_Ghaus_asraar_dyplomatie_۴.pdf)